

۴۸۶۸۸۵

به نام خداوند جان و خرد

کز ان برتر اندیشه برگزید

اسیّت در شاهنامه

محمد صادق کرمزاده دیزجی

سرشناسه	: کرمزاده دیزجی، محمدصادق، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: امنیت در شاهنامه/ محمدصادق کرمزاده دیزجی.
مشخصات نشر	: تهران: فقه الصادق، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۷ ص.
شابک	: ۱۲۰۰۰۰ ریال 978-964-96039-3-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- امنیت ملی
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر
موضوع	: معر فارسی -- قرن ۴ ق. -- تاریخ و نقد
شناسه افزوده	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه . برگزیده . شرح
رده بندی کنگره	: ۴۴۹۱۲۱۳۸ ۱۳۹۴ ۱۳۹۴ ک۸ الف /
رده بندی دیویی	: ۱۱۴۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۵۸۹۸

عنوان کتاب	: امنیت در شاهنامه
پدیدآورنده	: محمدصادق کرمزاده دیزجی
ناشر	: فقه الصادق
شمارگان	: ۱۰۰۰
نوبت چاپ	: اول، ۱۳۹۴
صفحه آرای	: علیرضا احمدی ۰۹۳۵۸۱۴۵۸۵۹ - ۶۶۱۲۳۹۹۶
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۰۳۹-۳-۳
قیمت	: ۱۲۰۰۰ تومان

فہرست مطالب

۷.....	سخن نویسنده.....
۱۱.....	مقدمہ.....
۱۶.....	کیومرث.....
۱۸.....	ہوشنگ.....
۲۰.....	طہمورت (دیوبند).....
۲۳.....	جمشید.....
۲۹.....	ضحاک.....
۳۸.....	فریدون.....
۴۹.....	منوچہر.....
۵۳.....	نوذر.....
۵۹.....	ذو طہماسپ (طہماسپ).....
۶۲.....	کی گواذ.....
۶۶.....	کاووس.....
۸۸.....	خسرو.....
۱۰۵.....	لہراسب.....
۱۱۲.....	گشتاسب.....
۱۲۶.....	اردشیر بابکان.....
۱۳۳.....	شاہپور.....
۱۳۵.....	شاہپور ذوالاکتاف فرزند اورمزد نوحہ نرسی.....
۱۴۴.....	یزد گرد بڑھکار.....
۱۴۷.....	بہرام گور.....
۱۵۸.....	یزد گرد، ہرمزد، پیروز.....
۱۶۰.....	بلاش و گواذ.....
۱۶۶.....	نوشیروان.....

۱۷۸	هرمزد
۱۸۵	خسرو پرویز
۲۰۰	یزد گرد
۲۰۲	زنان شاهنامه
۲۰۸	آموزش عمومی
۲۲۳	نتیجه گیری
۲۲۷	منابع:
۲۲۹	واژه نامه
۲۳۹	فهرست اعلام (اشخاص)
۲۴۵	فهرست اعلام (مکان)

سخن نویسنده

جهان را بداریم با ایمنی ببریم کردار اهریمنی

فرهنگ تنها پدیده ای است که دارای ارزش‌های مادی و معنوی گرانقدر در سطح ملی و جهانی به حساب می‌آید که عموم مردم هر سرزمین بر آن فرهنگ افتخار می‌کنند. افکار عمومی جهان نیز، آن سرزمین را با سابقه فرهنگی‌اش می‌شناسد. برابر اسناد مدارک تاریخی، ایران بین سایر ملل در سکوی اولین‌های فرهنگی ایستاده که این فرهنگ پرورش دهنده اندیشمندان، نام آوران و فرزنانگان در زمینه‌های مختلف هنری از جواهر در فن سخنوری بوده و هست.

فرق فرهنگ ایران با سایر ملل، اساس سخنوری همچون (فردوسی) است که توانسته فرهنگ و منش ایرانی را در ادبیات به نوعی به گنجاند که پلی از گذشته به امروز و پیوندی از امروز به فردا باشد. اگر امروز پیوند ایرانیان با نیاکانشان گسسته نشده، نتیجه بزرگ شاهنامه است. امروزه فرهنگ ما را خیلی از ملتها، تبدیل به تاریخ شده و چندان مورد استقبال قرار نمی‌گیرد مگر ایرانیان هنوز به فرهنگ و تمدن خود می‌نازند.

ایران و فرهنگ و تمدن آن باید از دیدگاه انصاف و معرفت شناسانه مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا امکان دستیابی به حقایق، ممکن شود. برای دستیابی به این هدف چه کتابی کارآمدتر از شاهنامه وجود دارد که بتوان بر آن استناد نمود. فردوسی زمانی دست به قلم می‌برد که دوری از خرد و شخص پرستی رونق

گرفته و تاریخ و فرهنگ گذشته نفس‌های آخر خود را می‌کشد. هدف فردوسی نمی‌تواند تنها گرفتن پاداشی از حکومت وقت یا نوشتن گذشته برای یادگاری و خودنمایی باشد. هدف فردوسی والاتر از این بحث است، هدفی را دنبال می‌کند که مقدس است و آن پرداختن به تاریخ برای دفاع و باز ساخت فرهنگ و تمدن ایران گه‌ن با تمام فراز و فرودها است. فردوسی توانسته این بازشناسی را در شاهنامه به نمایش بگذارد. در ستودن‌هایش به خصلت‌های نیکو می‌پردازد نه به بت‌سازی، در نکوهش‌ها عملکرد افراد (دوری از خرد و یزدان پرستی و بی‌عدالتی) را به چالش می‌کشد تا دافعت و ماندگاری خود را به ظهور برساند.

فردوسی ضمن حفظ صداقت موارد خشن و گزنده و حوادث ناخوش آیند و آزار دهنده را کاملاً صیقل کاری و با بلاغت و چیره دستی به نوعی تلطیف کرده که ضمن حفظ موضوعیت موضوع، خواننده را خرسند و تشویق به خواندن می‌کند تا ضمن بهره‌گیری جامع، بتواند تصویر لحظه‌ها را در پیش رو مجسم سازد. شاهنامه، اسطوره سازی، نژاد پرستی طبقه نخبه و قومیت گرایی نیست بلکه انصاف مداری و انسان باوری است، تحسین‌ها و تعجیب‌ها در محور ارزش‌ها می‌چرخد، نقاط ضعف را در مقابل نقاط قوت بدون هیچ دلیلی تصرفی به نظم می‌آورد، نیازها و کارکردهای تمام طبقات اجتماعی را بنحوی بر بر می‌گیرد. در مجموع خرد و خردورزی را سرلوحه تمام امور خود قرار داده و فاتح قله فرهنگی می‌شود.

رونق کشور داری و آئین حکومت در ایران را باید در سده‌های دور، قبل از میلاد جستجو کرد بر همین اساس فردوسی به گذشته‌های دور می‌پردازد و دغدغه و نگرانی خود را دستیابی به حکومت عادلانه می‌داند، بر همین نگاه است که برای انتخاب پادشاهان و پهلوانان، خرد ورزی و عدالت گستری را شیوه

فرمانروایی می‌شمارد. خرد بی‌قدرت را ضعف و قدرت بی‌خرد را فساد می‌پندارد. رهنمون شدن جامعه به ایزد را نیز از اصول آنان می‌شمارد و ناپودی نظام سیاسی را در بی‌عدالتی و نا امنی اجتماعی معرفی می‌کند.

چو بیدادگر پادشاهی کند جهان پر ز گرم و تباهی کند

محور اصلی سیاست در شاهنامه، پادشاهی است که نظم دهنده جهان به حساب می‌آید، خرد و عدالت محوری را لازمه پادشاهی می‌شمارد. فردوسی این خصلت‌ها را نه برای ستایش و تحسین پادشاه بلکه از روی اندیشیدن به نتیجه، می‌ستاید. چرا که دادگری نتیجه خرد و نتیجه دادگری و عدالت چیزی نیست به جز پدیده امنیّت. «مانند پدیده‌ای که اولین نیاز انسانی و تلاش او برای افزایش توانمندی و امکانات جهت رسیدن به سطحی که خود را از ضرر ناشی از دیگران ایمن بداند. هر چند امنیّت از نظر مفهومی یک مفهوم ذهنی است ولی پر خواستارترین موضوع در بین انسان‌ها است. نظر به اینکه شاخه‌های مختلف فرهنگ و اندیشه جامعه ایرانی در شاهنامه مروج می‌زند و تاکنون اندیشمندان توانمند و منصف بیشماری در زمینه‌های مختلف بر آن استناد و قلم‌فرسایی نموده‌اند که هریک نشان و سندی از تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران می‌باشند. یکی از موضوع‌های ارزشمند در شاهنامه، اندیشه امنیّتی است که تاکنون به طور مستقل یا برآن پرداخته نشده یا کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ما بر آنیم که به طور مستقل، بدون مقایسه با سایر تاریخ‌نگاری‌ها و با زبانی ساده و قابل استفاده برای طبقات مختلف اجتماعی به موضوع امنیّت در شاهنامه بپردازیم. در همین چهارچوب تلاش شده نگاه به امنیّت گذشتگان را از شاهنامه به صورت بیت‌های مرتبط استخراج و با شرحی ساده و مختصر که برداشت شده از گفتگوهای مجازی با شاهنامه‌نشین‌ها است را برای آگاهی عمومی به رشته تحریر در آوریم.

- نوآوری‌های این اثر انجام گفت‌گوی مجازی با پادشاهان شاهنامه برای اولین بار
- پرداختن به موضوع اختصاصی امنیت در شاهنامه به صورت کتاب برای

اولین بار

- داشتن جنبه آموزش عمومی و مقدماتی برای رعایت اصول امنیتی
- عدم تطبیق زمان وقایع شاهنامه با سایر زمان‌ها می‌تواند باشد.

www.ketab.ir

مقدمه

امنیت پدیده‌ای است جدا ناشدنی از زندگی بشری بویژه از حکومت و کشورداری (نظام سیاسی). امنیت لازمه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری روشن و شفاف است. دستیابی به امنیت سیاسی، نظامی، اقتصادی و... مقتدر، مستلزم اشراف اطلاعاتی بر امور مرتبط با امنیت مجموعه کشور است. اولین نیاز انسانی و تلاش او برای افرایش توانمندی و امکانات جهت رسیدن به سطحی که خود را از ضرر، ناشی از دیگران ایمن بداند، چیزی جز امنیت نیست.

امنیت در اشکال مختلف در زندگی بشری، سابقه‌ای به درازای عمر بشری دارد و پایه اصلی پایداری یک نظام سیاسی را بنیان می‌نهد. هرچند جنبه‌ها و مؤلفه‌های امنیت در طول زمان تغییر و تکامل داشته، لیکن از نظر کارشناسان، مطالعات بیشتر در ابعاد نگاه به امنیت فردی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای، فرا منطقه‌ای مد نظر قرار گرفته است. ماهیت رفتاری انسان از اصول رقابت برای منفعت طلبی و کسب منافع بیشتر، افتخار برای ایجاد اعتبار و شهرت، اطمینان از امنیت برترنشات می‌گیرد. حکومت‌ها نیز برای رسیدن به برتری، به طور معمول از سه ابزار زور، تزویر استفاده می‌کنند. نظر به اینکه که جدایی این سه ابزار از همدیگر یا ترجیح دادن یکی بر دیگری را (مگر در مواقع خاص) نمی‌توان پذیرفت، ولی فرمانروایان و ملت‌های دنیا به مقوله تزویر (دیپلماسی و سیاست پنهان) بر خلاف گذشته ارزش ویژه‌ای قایلند.

اقتصاد (زر) در گذشته عامل جمع‌آوری نیرو (زور) و حکومت محسوب می‌شد لیکن شاهنامه سیاست پنهان را از نظر دور نداشته و بخشی از امنیت را در سیاست پنهان میداند و ایمنی و اهریمن را در مقابل هم قرار می‌دهد. دامنه امنیت گسترده‌گی ویژه دارد و در همین گستره، به امنیت داخلی و خارجی قابل تقسیم می‌باشد. از جمله نشانه‌های اولیه امنیت، می‌توان به موضوع آرامش اشاره نمود که هراس اجتماعی را از بین برده و فضای فعالیت‌های انسانی فراهم، شادی و توسعه را در تمام زمینه‌ها به دنبال می‌آورد.

جهان را چه باد داری بداد بود تخت آباد و دهر از تو شاد

وقتی هدف امنیت و آرامش یک اجتماع بزرگ بنام کشور مد نظر باشد، سخن از امنیت ملی می‌شود تا بقای جامعه کشور و حکومت را تضمین نماید. امنیت ملی همان شرایط و عواملی است که برای منافع ملی یعنی اهداف ارزشی و منافع حیاتی جامعه و کشور در برابر تهدیدها* (داخلی - خارجی یا توام) حفظ می‌شود. توانایی یک کشور در دفع تهدیدها علیه حیات سیاسی، منافع ملی را امنیت ملی می‌خوانیم. تضمین امنیت ملی مستلزم پاسخ‌گویی به این سوالات است: (جهان از ابعاد کلی علمی، اقتصادی، فرهنگی، فن‌آوری، نظامی و... در کجاست و ما در کجا؟ جهان به کجا می‌رود و ما می‌خواهیم به کجا و چگونه برویم؟ رفتار متقابل ما و جهان به چه نحو باید مدیریت شود؟ امروز چه کنیم تا در این تقابل‌ها امنیت ملی ما تضمین شود؟)

برای رسیدن به امنیت ملی، در مرحله اول باید آرامش و امنیت اجتماعی را جزء منفک ناشدنی کشور به حساب آورد و در مرحله دوم شناختن و تبیین اهدافی که برای حفظ و تحقق منافع ملی یک کشور مورد توجه است. مانند حفظ استقلال و تمامیت ارضی، تحقق رفاه و ثبات سیاسی، حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی

و فراهم کردن امکانات رهایی از تهدید. مرحله دوم را می توان درسه اصل عمده (تعیین سیاست های دفاعی و امنیتی، هماهنگی فعالیت های سیاسی و اطلاعاتی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی) خلاصه نمود.

اقدام های نخستین برای تامین امنیت، دارای اصل های دیگری است که با نپرداختن به آنها بربریت اجتماعی رقم می خورد از جمله این اصول: الف-آموزش عمومی ملی بر قانون مداری ب-توسعه مشارکت مردمی در تصمیم سازی، تصمیم گیری، مدیریت و اجرا ج-شناسایی مؤلفه های قدرت ملی و ترویج و دفاع از منافع ملی د-امن سازی و ساخت و پراکندگی جمعیتی ه-تهیه و تدوین طرح راهبردی توسعه امنیت ملی و از بین بردن زمینه های ناهنجاری ملی ز-تقویت نهادهای ملی است.

این وظایف و اقدامات مرتبط زمانی کاربردی می شود که اهداف امنیت ملی را به بطور مطالعه شده و واقعی برآورد و در راستای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی نسبت به تقویت بنیه دفاعی و سیاست گذاری در سامانه امنیتی بکار گرفت. مصادیق کاربردی کردن اقدامات را می توان در اهداف: تقویت بازدارندگی نیروی نظامی، حفظ تمامیت ارضی، ارتقاء نیروی انسانی، مشارکت مردمی، ابتکار عمل، منزلت اجتماعی و ساختار جامعه اطلاعاتی، حفظ هویت ملی، پراکندگی منطقی نیروی دفاعی و خدمات دیپلماسی بر شمرد.

اگر چه امنیت مفهومی ذهنی و نسبی است ولی رابطه مستقیم با قدرت دارد بنابراین برای ایجاد و توسعه امنیت، نیاز است از شناخت کامل نسبت به جامعه و محیط (ژئوپلیتیک) شروع و به تصمیم گیری، اجرا، بررسی بازخوردها و اصلاح برنامه ختم گردد (این فرایند دوره تسلسل خاص خود را دارد). حاصل این اقدام تامین و

توسعه امنیت خواهد بود. به همین علت است که امروزه فرهنگ (در تعریف جامع) هم ردیف سایر مؤلفه های قدرت (زر، زور، تزویر) قرار گرفته و جدا کردن آن از کار مطالعاتی و تصمیم گیری ممکن نیست.

کشوری که به این مهم (توسعه امنیت ملی) توجه نکرده باشد به طور معمول جزء کشور های تهدید شونده قرار خواهد گرفت چراکه امنیت یک کشور زمانی از خارج مرزها تهدید می شود که داخل کشور با مشکل عدالت و توسعه امنیتی مواجه باشد. (حکومت ها برای اس میزان توسعه امنیت ملی در چهار رده تعریف می شوند: الف- تهدید شونده، ب- تهدید می کننده و تهدید نمی شوند، ج- هم تهدید می شوند و هم تهدید می کنند، د- نه تهدید می کنند و نه تهدید می شوند).

اصل نیل به هدف، انسان ها را با این یقین می رساند که پیشبرد و رسیدن به هر هدفی نیازمند داشتن اطلاعات تعیینی در مورد چگونگی رسیدن به هدف و شناخت متضاد های آن برای جلوگیری از غافلگیری است. بنابراین برای شناخت، تدوین و اجرای یک هدف، نیازمند اطلاعات جامع، به موقع و فراوری شده خواهیم بود و این جمع آوری و پرورش یافته های گاه و بگاه معنی دار (اخبار) و تبدیل یافته ها به اطلاعات امکان پذیر نخواهد شد مگر با استفاده از نیرو های متخصص هترمند. زمانی که هدف جنبه ملی و میهنی پیدا و ثبات سیاسی و ملی را پیگیری کند، نیاز به اطلاعات و متخصصین شدیدتر، و امکان دستیابی به یک سری از اطلاعات به صورت آشکار مشکل خواهد نمود. بنا بر این توسل به نیروهای متخصص به دو صورت آشکار و پنهان اجتناب ناپذیر خواهد بود.

دریافت اخبار بویژه اخبار غیر آشکار، خود نیازمند وظایفی و مراحلی است از جمله نظارت بر عملکردها، شناخت پنهان ها و اجرای راه کارها. این مراحل و راه کارها تولید اطلاعات نموده و حکومت را در تصمیم گیری و رسیدن به اهداف

رهنمون خواهد شد. چنانچه یک حکومت در رسیدن به اهداف ملی و ثبات سیاسی موفق باشد دال بر تخصص و سلامتی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و نگرش حکومت به کاربرد اطلاعات است، اگر در یک سری از شاخه های هدف دار موفقیتی کسب نمود دلیل بر ضعف عوامل تولید کننده اطلاعات در آن شاخه ها و چنانچه غافلگیر یا به اهداف نرسید نشان از نقاط ضعف متعدد از جمله بی توجهی حکومت به اطلاعات بدست آمده، گرایش پیدا کردن مامورین تولید اطلاعات به یک تفکر خاص، از دست دادن استقلال کاری مامورین می تواند باشد. نیروهای متخصص و سازمان یافته تولید اطلاعات می توانند مانند شمشیر دولبه عمل کنند، در صورت داشتن گرایش فکری خاص یا منزوی شدن می توانند خودعامل بی ثباتی ملی و حکومتی شوند، بنابراین، باز است پایه های بهره برداری از این تخصص خود بر روش مدوّنی نهاده شود.

بر اساس این مقدمه به گفتگویی معاصر پادشاهان شاهنامه می نشینیم تا نگرش های امنیتی هر یک از آنان در مورد اهداف، مشخص و توجه شاهنامه به امنیت و زیر شاخه های آن بررسی گردد. شایسته این نوشته نیز سندی بر تمدن و فرهنگ ایران در پرداختن به مسایل امنیتی در طول تاریخ باشد.